

بررسی تحلیلی بنیانهای فردگرایی معنویت مدرن بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی

زهرا احدی^۱، فاطمه سادات هاشمیان^۲

چکیده

هدف: معنویت مدرن تحت تأثیر مبانی انسان‌شناختی مدرنیسم، از جمله فردگرایی شکل گرفته است. هدف از پژوهش حاضر، بررسی و نقد پیامدهای فردگرایی بر معنویت مدرن بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی بود. **روش:** این تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با کمک داده‌های کتابخانه‌ای انجام شد. **یافته‌ها:** معنویت مدرن تحت تأثیر مبنای مذکور، هویت مشترک میان انسانها را نفی می‌کند و قائل به انفراد فضایل و ارزشهای معنوی است. جایگزینی راهنمای بیرونی با الهام درونی و تلقی وحی به عنوان الهام درونی، از دیگر ویژگی‌های معنویت مدرن است که تحت تأثیر تفکر فردگرایی ایجاد شده است. سلب هدف از معنویت، فراغت از حقیقت و نسبت فردگرایانه در معنویت مدرن نیز از پیامدهای فردگرایی بر معنویت مدرن است. **نتیجه‌گیری:** معنویت مدرن در تقابل سهمگین با معنویت اسلامی قرار دارد و بر خلاف معنویت اسلامی که برابند آن تقرّب و تقواست، حاصل آن قرب الهی نبوده و در راستای تعالی و کمالات انسانی نیست.

واژگان کلیدی: فردگرایی، معنویت مدرن، علامه طباطبایی، نسبت معنوی.

✦ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

۱. کارشناسی ارشد رشته مدرسی معارف گرایش مبانی نظری اسلام / Email: zahraahadi128@gmail.com
۲. دکترای مدرسی معارف گرایش مبانی نظری، استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول) / Email: fs.hashemian@cfu.ac.ir

الف) مقدمه

یکی از مؤلفه‌های بنیادین انسان‌شناسی غربی، بر فردگرایی استوار است. آنچه ابتدا از مفهوم فردگرایی مدّ نظر بود، ارتباط میان انسان و خدا به نحوی خاص و مستقیم بود؛ اما با گذر زمان و تأکید بر خواسته‌های نفسانی بشر، این نگرش تغییر یافت. معنویت نیز بر اساس میزان لذت فرد از تجربیات شخصی خود تعریف شد. در چنین حالتی، از توجه به ساحت‌های مختلف جسمانی و روحانی انسانی غفلت می‌شود. این مدل از معنویت، توجه تام بر منفعت شخصی و خواسته‌های نفسانی، بدون در نظر گرفتن بعد روحانی انسان است که منجر به سردرگمی‌ها و بحرانهای روحی عمیقی در جوامع غربی شده است. از طرفی، عدم توجه به مشترکات هویت انسانی و نفی فطریات مشترک، به نفی توصیه‌های عمومی دین خاتمه پیدا می‌کند که همین امر، مسیر معنویت را دشوارتر و افراد دنباله‌رو را گمراه‌تر خواهد کرد. بنابر این، برای کسب کمال و سعادت، راهی جز اتکا بر معنویت حقیقی برخاسته از دین الهی باقی نمی‌ماند. فرد انسانی نیز با همراهی توصیه‌های عمومی دین می‌تواند به سعادت و آرامش حقیقی دست یابد. در این صورت، هدف غایی معنویت حقیقی اسلامی و وصول به مقام قرب الهی، شامل حال سالک معنوی می‌شود.

معنویت تعریف شده در جوامع، مبتنی بر نظریه برآمده از نظام ارزشی آنهاست؛ زیرا نظام معنوی هر جامعه بر اساس ساختار منحصر به فرد و مطابق با ویژگی‌های فرهنگی و ارزشی آن جامعه است. در این میان، انسان‌شناسی و سعادت و هدف و هویت تعریف شده برای انسان، نقش اساسی در مبانی و ارکان معنویت ایفا می‌کند. بر این اساس، اهمیت و ضرورت پژوهش و تحقیق در مبانی فکری و به خصوص انسان‌شناسی معنویت مشخص می‌شود. مقوله معنویت و به تبع آن معنویت مدرن در دوران معاصر، توجه اندیشمندان بسیاری را به خود معطوف داشته و کتابها و مقالات زیادی در این زمینه تألیف شده که تعدادی از مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است.

در کتاب «معنویت و دین» (غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۷)، نویسنده با بررسی استدلال ناسازگارگرایان، به نقد معنویت‌هایی پرداخته است که در راستای ادعای استقلال از وحی الهی، شکل گرفته و نضج یافته‌اند. همین نویسنده در کتاب «معنویت در ادیان ابراهیمی» (غفاری قره‌باغ، ۱۴۰۰)، یکی از ضرورت‌های معنویت پژوهی در عصر کنونی را تبیین هویت معنویت حنیف و برخاسته از وحی الهی دانسته است که از آسیب‌های معرفتی و آیینی در سایر الگوهای معنوی در امان است. نویسنده در این نوشتار به توصیف تفصیلی هویت

معنویت و ویژگی‌های آن از منظر اندیشه اسلامی پرداخته است. این کتاب خواننده را با معنویت‌های تحریف‌شده در دیگر ادیان ابراهیمی آشنا می‌کند.

در رساله «نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی اندیشه‌های اخلاقی روشنفکری معنویت‌گرای معاصر ایران» (فرج‌نژاد، ۱۳۹۹) به طور جداگانه به نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی اندیشه‌های اخلاقی با رویکرد معنویت‌گرایی مصطفی ملکیان، به عنوان روشنفکر معاصر ایران پرداخته شده است. توجه ویژه این رساله به مبانی انسان‌شناختی، به دلیل توجه بیشتر ملکیان به مبادی انسان‌شناختی است. بنابر این، فهم مبانی انسان‌شناسانه ملکیان و نقد و بررسی آنها، مورد توجه مؤلف این رساله است.

مقاله «تأملی بر تبیین مفهومی معنویت در نظریه عقلانیت و معنویت، با نگاهی به معنویت قدسی» (نوبری، ۱۳۹۵)، ضمن ارائه تعاریف و تبیین‌های معنویت، با نگاهی به معنویت قدسی، چالش‌های صوری و نظری معنویت را آشکار کرده و روشن ساخته است که تبیین معنویت، جز با مراجعه به داده‌های وحیانی، ساختاری قابل دفاع پیدا نمی‌کند.

مقاله «بحران معنویت در جهان معاصر» (میرزایی و دلیر، ۱۳۹۷) اثبات می‌کند که معنویت مورد نیاز بشر، همان معنویت حاصل از آموزه‌های دین مبین اسلام است و گسترش این معنویت در جامعه، مستلزم آگاهی‌بخشی نسبت به شبه‌معنویت‌ها، مثل عرفان حلقه و کیهانی و... است که می‌تواند با بصیرت‌افزایی در این باب مفید باشد و زمینه برون‌رفت از بحران‌های حاصل را فراهم کند.

تفاوت تحقیق حاضر با تألیفات پیش‌گفته و نمونه‌های مشابه آن، عنصر نظریه‌پردازی مبتنی بر اصول است؛ به این معنا که این پژوهش با رویکرد مبناشناختی و با استفاده از منظومه فکری علامه طباطبایی، به بررسی و نقد بنیانهای فردگرایی معنویت مدرن می‌پردازد. چارچوب مفهومی نوشتار حاضر بر اساس رویکرد مبناشناختی است و تمایز مهم آن نسبت به پژوهش‌های انجام‌شده در این است که با استفاده از روش مینا به بررسی ماهیت و مؤلفه‌ها و مبانی و اصول فردگرایی معنویت مدرن غربی پرداخته و آن را بر اساس اندیشه علامه طباطبایی، ارزیابی و نقد می‌کند. گفتنی است که این پژوهش فراتر از مبانی جریان روشنفکری معنویت‌گرای معاصر، به بررسی و نقد مبادی الگوی معنویت مدرن در ساحت فردگرایی می‌پردازد.

در این پژوهش، گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و نظری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه ادراک معانی و تحلیل عقلانی صورت پذیرفته و به روش توصیفی-تحلیلی

سامان می‌یابد. چارچوب تحقیق به این شکل است که پس از ارائه مفهوم فردگرایی و اصول و مؤلفه‌های آن، به بررسی کاربرست فردگرایی بر معنویت مدرن پرداخته شده و بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی، اثرات این تفکر در ویژگی‌های معنویت مدرن، بررسی و نقد می‌شود.

ب) فردگرایی

فردگرایان با قرائتهای متعدد از فردگرایی، قائل به آزادی فردی و انکار خصوصیت مشترک و ذاتی میان انسانها می‌باشند. نظریه مهم ایشان، نفی مشترکات انسانی است که در تقابل جدی با نظریه اشتراک‌انگاری هویت انسانی مطرح است. آنچه از نتایج پذیرش فطرت مشترک انسانی به دست می‌آید، طبعاً مورد قبول طرفداران رویکرد فردگرایی نیست؛ زیرا آنان را ملزم به پذیرش تفاهم و توصیه عمومی در جامعه مدنی خواهد کرد که این امر با اصل رویکرد فردگرایانه ایشان در تضاد است.

۱. تعریف لغوی

واژه فردگرایی^۱ به معنای تأکید بر ارزش و حقوق فرد، استقلال فردی و خودمختاری فرد در تصمیم‌گیری‌های شخصی یا اجتماعی استفاده می‌شود. این واژه در لغتنامه‌های انگلیسی معمولاً به معنای «ترکیبی از ایده‌ها و عقاید که مردم به صورت فردی در آنها باور دارند» تعریف می‌شود. (بريجانيان، ۱۳۹۰: ۴۱۵)

۲. تعریف اصطلاحی

اصطلاح «فردگرایی» در حیطه‌های مختلف از جمله مواضع مختلف اجتماعی و سیاسی و همچنین در حقوق بشر با تأکید بر تفرد انسانی قابل مشاهده است. مفهوم فردگرایی با تأکید بر اصالت فرد، به معنای عدم تقسیم‌پذیری^۲ در تقابل با گروه‌های اجتماعی به منظور حفظ استقلال فرد به کار برده می‌شود (آراسته‌خو، ۱۳۸۱: ۲۱۹). در برخی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی، فردگرایی به عنوان یک فرضیه اساسی در توجیه افراد و گروه‌ها در برابر مسائل اجتماعی و سیاسی به کار برده می‌شود. در این نظریه‌ها، فردگرایی می‌تواند به معنای ترکیبی از ایده‌ها و عقاید باشد که مردم به صورت فردی به آنها باور دارند و فرض می‌کنند که هر فرد باید به صورت مستقل و بدون تأثیر دیگران زندگی کند. از میان تعاریف مختلفی که برای فردگرایی بیان شده، برخی به نگرشهای موجود نسبت به اعتقادات انسان در گرایشهای سیاسی و اجتماعی و حتی اقتصادی پرداخته‌اند و ضمن تأکید بر حفظ مالکیت خصوصی در

1. Individualism

2. Individus

حیطه اقتصادی، قائل به آزادی افراد طبق مکتب لیبرالیسم و منش اجتماعی فرد می‌باشند. (شایان‌مهر، ۱۳۷۹: ۳۹۷)

۳. مهم‌ترین اصول فکری فردگرایی

فردگرایی به واسطه مؤلفه‌های خاص خود، تأثیرات عمیقی در پدیده‌های مختلف بر جا گذاشته است. در ادامه، مهم‌ترین اصول فکری فردگرایی ارائه می‌شود.

یک) نفی اشتراک ذاتی میان افراد انسانی

حفظ تشخیص فردی و انکار هویت ذاتی مشترک میان انسانها، مهم‌ترین مؤلفه فردگرایی است. هر قدر انسان خود را از جامعه جدا سازد و به فردیت خویش پایبند باشد، بیشتر خود را تحقق خواهد بخشید. در حقیقت؛ فردیت نشانه اصالت انسان است و قول به اشتراک ذاتی میان افراد انسانی، با هویت فردی انسان در تضاد است. ارتباطات انسانی نیز در کنه و ذات خود، دارای فردیت و تنهایی است، در غیر این صورت ارتباطی رخ نخواهد داد (یاسپرس،^۱ ۱۳۷۵: ۱۴). از سوی دیگر، خود بودن، در مشارکت معنا پیدا می‌کند و تکامل انسان در ارتباط با دیگران محقق می‌شود (همو، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۷۲). به همین سبب، در ارتباطات انسانی لازم است فردیت انسان حفظ شود تا ارتباط اصیل رخ دهد؛ زیرا فردگرایی تمام منافع و لذا ید انسانی را از آن فرد انسانی دانسته و شکل‌گیری هویت انسان را غیر متکی به زندگی اجتماعی می‌داند. توجه مدرنیته به فردیت انسان، از باب تأکید بر جایگاه فردی و حقوقی انسان و آزادی اوست. این مفهوم از نتایج اومانیسم در عصر مدرن است که اصالت انسان در همه مراحل زندگی و در ارتباط با جهان پیرامونش باید تثبیت شود. (ویکتور کنده،^۲ ۲۰۰۴: ۱۹۵-۱۲۴)

دو) نفی هویت جمعی

همان‌طور که مطرح شد، یکی از مؤلفه‌های فردگرایی، تأکید بر هویت فردی است. از آنجا که انسانها نسبت به هم بی‌اعتنا نیستند و یک سلسله امکانات و استعدادها و خصوصیات مشترک درون خود دارند؛ به ارتباط با هم نیاز دارند و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. اما در کنار ارتباط انسانها با یکدیگر، مهم‌ترین ویژگی انسان این است که یکه و فرد است و فاقد هویت جمعی است. یاسپرس به تبع کی‌یر کگور، انسان را فرد و یکه می‌داند و همرنگی با جماعت و ملاک قرار دادن دیگران در داوری اعمال و رفتار را نشانه بی‌هویتی و بی‌شخصیتی به شمار می‌آورد (یاسپرس، ۱۳۷۵: ۱۵). این مطلب موجب عدم لحاظ اشتراکات هویتی در بین افراد انسانی است.

1. Jaspers

2. Victor conde

سبک زندگی سنتی در دوران قبل از مدرنیته و عضویت افراد در گروه‌های خانوادگی و جمع‌های دوستانه، موجب پیدایش هویت جمعی می‌شد؛ اما با پیدایش رویکرد فردگرایی مدرن، به سبب نیاز فطری انسان بر تعلّق داشتن به جمع و گروه، هر انجمنی تلاش کرد تا برای خود هویتی خاص ایجاد کند و ریشه این مسائل، در اهتمام فردگرایی اومانیستی بر آزادی انسان بود که وی را از هویت جمعی جدا کرد. در حالی که زندگی اجتماعی به افراد کمک می‌کند تا با انتخاب و اختیار خود در بستر اجتماع و در تعامل با دیگران، هویت خود را شکل دهند. همچنان که روشن است، هویتی که بر اساس آزادی امیال برای فرد ایجاد می‌شود، بسیار متزلزل است و در مقابل، هویتی که در تعامل و تقابل با گروه‌های مختلف اجتماعی ایجاد می‌شود، در پی پاسخ به پرسشهایی است که اگر «دیگری توانست، پس من هم با تلاش، موفق خواهم شد» (برگر و لوکمان، ۱۳۷۵: ۲۳۳-۲۳۲). امری که به طور واضح در دنیای مدرن و در اثر مبنای فردگرایانه ایجاد شده است، انفراد در هویت انسانی و نفی هویت جمعی ایشان است.

سه) توجه به معرفت خودساخته و درونی خود

طبق نظر دکارت، توجه به فردیت انسان در اولویت است. کانت نیز فهم واقعیات عالم را منوط به فهم بشری کرده است. بر این اساس، هرگاه معرفتی رخ دهد، ابتدا از مسیر فهم شخصی اتفاق افتاده و انسان با مراجعه به درون خویش می‌تواند بر هر امری معرفت کسب کند. بنابر این، دستیابی به معرفت از طریق شخص، یکی از مؤلفه‌های فردگرایی است. بر این اساس، تکیه بر خرد خودبنیاد انسانی موجب بی‌نیازی او از دین می‌شود و توجه تام بر فرد انسانی به معنای صحّه گذاشتن کامل و دقیق بر فهم و معرفت مبتنی بر عقل خودبنیاد است. (اسفندیاری، ۱۳۸۸: ۴)

کی‌یرکگور، از دیگر صاحب‌نظران فردگرایی است که با کلی‌گرایی مخالف می‌ورزد و اصالت را به فرد می‌دهد. در نظر وی؛ ارزشهای منتخب فرد، بهتر از ارزشهای منتخب جامعه است و معرفت بر اساس درک فردی و برساخته و درونی است. کرکگور معتقد است ارزشها باید منتخب فرد باشد نه جامعه. او کل‌گرایی را در تضاد با فردگرایی می‌داند؛ لذا با هرگونه نظام‌سازی معرفتی مخالفت ورزیده است. در اندیشه او، نظام هستی بی‌معناست؛ چون ریشه در واقع‌گرایی هستی‌شناختی دارد. نظام فکری نیز بی‌معناست؛ چون موضوع در ذهن آدمی، متعلق ادراک نیست، بلکه متعلق ایمان است و ایمان نیاز به تجربه دارد؛ تجربه‌ای فردی و

منحصر به فرد که لازمه‌اش تعلیق غایت‌شناختی امر اخلاقی است و تنها تجربه فرد، ملاک قرار خواهد گرفت. (امانی و اکبری، ۱۳۹۷: ۲۲)

چهار) عدم انسجام روابط اجتماعی

جمع‌گرایی، مکتبی در تقابل با فردگرایی است که در تقابل با تمرکز بر فرد، به ساختارهای اجتماعی توجه چشمگیرتری دارد و همانند فردگرایی، فرد انسانی را بنیاد اصلی مقدم بر اجتماع نمی‌داند. مکاتبی همچون مارکسیسم، از جمله مکاتب جمع‌گرا می‌باشند. در این مکاتب، بنیان خانواده و دولت و ملت، نهادهایی برای پاسخگویی به حقوق افراد است (بحرانی‌فرد، ۱۳۹۴: ۴۰۵). در مکتب لیبرالیسم و به ویژه در شاخه فردگرایی، هسته مرکزی و اصلی در اخلاق و هستی‌شناسی، اولویت برتر فرد بر دیگر عناصر اجتماع است. (حمیدیه، ۱۳۸۵: ۲۰۴)

آنچه در فردگرایی لیبرالیستی مهم تلقی می‌شود، اولویت دادن به خواست انسان است و نیاز انسان، مقدم بر هر امری است. هرگاه فردی عملی را قبیح بداند، قطعاً قبیح است؛ ولو در واقع، حسن و خوب باشد. شرط مشروعیت هر عملی، خواست انسانی بر ترجیح و پذیرش عمل است؛ زیرا خواست فرد، رتبه تقدمی بر خواست اجتماع و صلاحدید جمع دارد. (آریلاستر، ۱۳۷۷: ۷۰-۶۹)

مبنای تفکرات لیبرال فردگرا از این نقطه نشأت می‌گیرد که ایشان اجتماع را متشکل از افراد می‌دانند. ویژگی این اجتماع این است که هر منفعتی در آن، ابتدا از آن فرد است و اجتماع نیز مکانی برای شکوفا شدن تفرد انسانی است. بنابر این، آنچه مهم است، توجه به خواسته‌های فرد در اجتماع است که بر هر امری تقدم دارد و غایت هر امری به غایت خواست فردی منوط است (بوردو، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۵). نکته حائز اهمیت این است که فردگرایی لیبرال، تنها به بعد مادی و جسمانی و غرایز حیوانی فرد انسان توجه دارد و ابعاد ماورایی و متافیزیکی او را در نظر نمی‌گیرد. بنابر این، زمانی که گفته می‌شود جامعه حق دخالت در امور فرد را ندارد، منظور این است که هر شخصی مالک استعداد و بدن خویش است؛ لذا باید به حریم خصوصی افراد و حقوق فردی آنها نهایت احترام گذاشته شود. از این رو، تکیه بر ویژگی‌های ارثی برای تعیین ارزش و قوانین، با برابری انسانها منافات دارد و تنها به عنوان راه فرار از پذیرش مسئولیتی است که هر فردی با ابتدا بر فردیت دارد؛ زیرا انسانها در تعیین بایدها و نبایدها و اصول و ارزشها دارای رتبه برابرند. (همان)

منشأ تعیین ارزش در نظام فردگرایی، عقل خودبنیاد مطابق با امیال فرد انسان است که خواست و میل خود را بر هر اصلی مقدم می‌داند و نظریات اشخاص دیگر را هم تحمیل نمی‌پذیرد. بنابر این، آنچه حاکم است، علایق درونی فرد است (وینسنت، ۱۳۷۸: ۵۵) و اشتراکات ذاتی افراد را نادیده می‌گیرند (ملکیان، ۱۳۸۲: ۱۰۷). به این ترتیب، یک گسست تبعی در اجتماع صورت می‌پذیرد و در روابط اجتماعی انسجام حقیقی ایجاد نمی‌شود.

ج) بررسی و نقد پیامدهای فردگرایی بر معنویت مدرن بر اساس اندیشه علامه طباطبایی

تفرد انسانی در تفکر فردگرا، موجب نسبی شدن معرفت و شخصی کردن رشد و تجربیات فردی است. معنویت خودساخته فردی چیزی جز دریافتهای معنوی و عرفانی فردی نیست. شاید بتوان ریشه شک و تردید و عدم مقید بودن امور در مدرنیته را در این مسئله دانست که فردگرایان به سبب توجه تام بر درون انسان و منوط کردن سلوک معنوی طبق درونیات هر فرد و شخصی سازی معرفت، دین و معنویت را نیز شخصی سازی می‌کنند و همین امر موجب عدم توجه به مناسک خاص دینی و برداشت شخصی از دین و در نتیجه، ذهنی شدن دین می‌شود. استدلال شخصی توأم با وجدانیات اخلاقی، از مواردی است که سالک فردگرا را از ابزار رشد معنوی بی‌نیاز می‌کند. تکیه بر فهم درونی اشخاص بر سلوک معنوی، عدم نیازمندی به استاد راهنمای سلوکی را نیز به دنبال دارد.

در ادامه به شکل تفکیک یافته، به بررسی پیامدهای فردگرایی بر معنویت مدرن پرداخته، این تأثیرات بر اساس اندیشه علامه طباطبایی بررسی و نقد می‌شود.

۱. نفی هویت معنوی مشترک میان انسانها در معنویت مدرن

طبق آنچه در بخش مؤلفه‌های فردگرایی بیان شد، معنویت فردگرایانه با تأکید افراطی بر حفظ تشخص فردی و انکار هویت ذاتی مشترک میان انسانها، معنویت را نیز امری منوط به شخص می‌داند که هیچ توصیه عمومی را برای طریق معنویت نمی‌پذیرد. پائولو کوئلیو معتقد است تفاوت انسانها امری است که باید حرمت آن نگه داشته شود و هر فردی برای حفظ تمایزاتش نهایت تلاش را داشته باشد. (کوئلیو، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

به این ترتیب، با انتفاء اشتراک ذاتی میان افراد، امکان برخورداری از توصیه مشترک معنوی نیز منتفی خواهد شد. همچنین با نظر به رویکرد فردگرایی در معنویت، دین و دستوراتش برای عموم افراد کارایی نخواهد داشت؛ زیرا توصیه‌های دینی مختص تمام انسانهاست و به طور مشترک می‌تواند راهنمای معنوی افراد باشد. در نگاه آقای ملکیان،

۶۵ بررسی تحلیلی بنیانهای فردگرایی معنویت مدرن ... ♦

معنویت، تجربه‌ای خصوصی است نه یک مکتب عمومی؛ توصیه مشترک در معنویت، از منظر منطقی صحیح نیست؛ زیرا معنویت برای هر فرد مطابق، با ویژگی‌های روان‌شناختی و فردی اوست. انسان معنوی با تکیه بر ابعاد وجودی خویش، تجارب معنوی خاصی را برای خود رقم خواهد زد. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۴۳)

بررسی و نقد

طبق نظر علامه، افراد بشر از حیث انسان بودن با یکدیگر مشترک‌اند؛ پس اشتراک در ذات دارند و همه انسانها انواع یک نوع خاص‌اند. بنابر این، با نظر به رویکرد اجتماعی، اشتراکات هویتی و ذاتی افراد در جامعه موجب برقراری تعاملات اجتماعی، روحی و عاطفی میان افراد اجتماع خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۵۸). توجه به ظرفیت مهم اجتماع بشری از این نظر حائز اهمیت است که افراد با خصوصیات مشترک و در عین حال برخی خصوصیات متفاوتی که دارند، می‌توانند در پیشبرد اهداف جامعه به طور مؤثرتری ورود کنند و از اشتراکات فطری و غریزی مشترک‌شان در کنار افراد جامعه نهایت استفاده را ببرند. از این رو، اجتماع متشکل از افراد پیوندخورده است.

۲. افراد فضایل و ارزشهای معنوی

مبنای فردگرایی مدرنیسم علاوه بر نفی هویت معنوی مشترک میان انسانها، قائل به انفرادی بودن فضایل و ارزشهای معنوی است. معنویت فردگرایانه با تأکید افراطی بر حفظ تشخیص فردی و انکار هویت ذاتی مشترک میان انسانها، معنویت را نیز امری منوط به شخص می‌داند که هیچ توصیه عمومی را برای طریق معنویت نمی‌پذیرند. این مطلب در اندیشه‌های پائولو کوئلیو بسیار بارز است. او معتقد است تمایزات افراد نسبت به یکدیگر، بیانگر فردی بودن ارزشهای معنوی است. (کوئلیو، ۱۳۸۵: ۱۷۰)

ملکیان نیز با اعتقاد به این امر که هر شخصی طبق ویژگی‌ها و شناخت وجودی‌اش از خود باید مسیر معنوی و سلوکی خود را طی کند تا به حقیقت دست یابد؛ بیان می‌کند که این حقیقت، ساخته شده توسط خود شخص است که موجب کاهش درد و رنج زندگی اوست. او معتقد است هر حقیقت فردی با حقیقت شخص دیگر به دلیل تمایز در رنج‌هایشان متفاوت است (ملکیان، ۱۳۸۱: ۳۴۳). این نظریه مطابق با فردگرایی مدرن است؛ زیرا معنویت را تجربه شخصی می‌داند که برخاسته از توصیه معنوی عمومی نیست و طبق شرایط و ویژگی‌های افراد، متفاوت و قابل انعطاف است و اصولاً مکتب معنوی مشترکی وجود ندارد. (همان)

در مقابل این تفکر فردگرایانه از معنویت مدرن، معنویت اکنکار است. اکنکار انسانهای معدودی را قادر به فهم و تشخیص معنویت دانسته و تنها راه حقیقت و تنها مسیر دستیابی به معنویت را اکنکار معرفی می‌کند؛ زیرا معتقد است اکنکار تنها جریانی است که عالم را به خدای بزرگ پیوند می‌دهد؛ تمام ادیان و مذاهب از اکنکار سرچشمه گرفته و همه تعالیم خود را وامدار اکنکار می‌باشند؛ چنانچه اگر اکنکار نبود، ادیان موجودیت نداشتند. اکنکار تمامی زندگی را در بر می‌گیرد. بنابر این، طبق قانونی الهی، تمامی مذاهب، دانشها و همچنین تمامی نوشته‌های مقدس و نیز تمامی قوانین زندگی از اک مشتق شده‌اند. (توییچل، ۱۳۷۹: ۲۳۵)

بررسی و نقد

با دقت نظر در جان‌فشانی‌های ایثارگران و از خودگذشتگی شهدا درمی‌یابیم که انسان در فطرت خویش میل به دیگرخواهی دارد؛ آن هم نه صرفاً برای کسب منافع فردی. این امر در سلوک معنوی جایگاه ویژه‌ای دارد. خلقت فطری انسان مبتنی بر اختیار و آزادی‌های مقید است. علامه معتقد است آزادی انسان نباید با دیگر حقوق فطری او در تراحم باشد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶: ۵۰۷). کسب سعادت حقیقی در نگاه علامه، از طریق اختیارهای انسان در دنیا حاصل می‌شود (همان، ج ۷: ۲۸). این اختیار فردی، در طول اراده خدا قرار دارد و علت تامه برای کمال انسان نیست. (همان، ج ۱: ۵۳۷)

این ویژگی انسان در ارتباط با اجتماع انسانی، نشان از محدود بودن آزادی او دارد و جامعه، یکی از موارد محدودیت‌بخشی به آزادی و اختیار فردی است. علامه در این باره بیان می‌کند که اجتماعی بودن انسان از فطرت او سرچشمه می‌گیرد (همان، ج ۳: ۲۹۱) و توجه تام به آزادی فردی در این اجتماع، موجب هرج و مرج نظام جامعه خواهد شد (همان، ج ۶: ۵۰۵). طبق دیدگاه علامه، مشخص می‌شود که اگرچه نیاز به اجتماع یک میل فطری است، اما از بایندی نشأت می‌گیرد که او را به اضطراب می‌رساند. در واقع؛ انسان مدنی بالطبع ثانوی است. (همان، ج ۱۰: ۳۸۸)

از مباحث علامه این نتیجه حاصل می‌شود که انسانها دارای هویت مشترک معنوی و فضایل و ارزشهای معنوی مشترک‌اند و هویت معنوی مستقل و فضایل و ارزشهای معنوی صرفاً انفرادی در معنویت مدرن مردود است.

۳. جایگزینی راهنمای بیرونی با الهام درونی در سیر معنوی مدرن

علاوه بر نفی هویت معنوی مشترک میان انسانها و شخصی‌سازی فضایل و ارزشهای معنوی؛ توجه ویژه به ندای درونی، از دیگر تأثیرات فردگرایی بر معنویت مدرن است. فردگرایی،

معرفت در معنویت را منوط به توجه ویژه به ندای درونی دانسته، آن را عامل مهم کسب معرفت معنوی تلقی می‌کند. در این راستا، اهتمام پائولو کوئلیو به الهام، به عنوان یکی از طرق مهم ارتقای معنوی، نشان می‌دهد که ندای درون تنها مسیر امن برای کسب معارف الهی است (کوئلیو، ۱۳۸۳: ۲۴۳). کوئلیو عامل و ابزار سنجش معرفت را آوای درونی می‌داند. از نظر وی، ممکن است این الهام درونی با فضیلت مخالفت داشته باشد. کوئلیو در کتاب «ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد» به صراحت بیان می‌کند با کرة مقدس تنها به الهامات درونی توجه می‌کند و قضاوتها درباره‌ی خوب و بد بودن افعال برای او اهمیتی ندارد (همو، ۱۳۸۷: ۳۰۵). از نظر کوئلیو، انتفاء خاتمیت در نبوت قابل توجیه است؛ زیرا او التفات به ندای باطن را تنها راه معرفت به اراده الهی می‌شناسد (همو، ۱۳۸۴: ۲۱۴-۲۱۳) و از طرفی، دلیل وجودی انسان را تحقق بخشیدن به افسانه‌ی شخصی می‌داند (همو، ۱۳۸۶/الف: ۱۷۰) که مهم‌ترین وظیفه‌ی سالک معنوی نیز همین محقق ساختن الهامات و رؤیاهاست. (همو، ۱۳۸۸: ۴۰)

کوئلیو خلقت انسان را به سبب نیل به آرزوهای شخصی‌اش می‌داند که این آرزوها جز با شناخت خودش حاصل نخواهد شد (همو، ۱۳۸۳: ۱۴۹). بنابر این، تا زمانی که برای وصول به آرزوها تلاش می‌کند، هیچ رنجی متوجه او نخواهد بود و رنجهای مختلف، دیدار با خدا و درک ابدیت است (همو، ۱۳۸۸: ۱۴۲). به این ترتیب؛ در طریق سلوک معنوی هر آنچه سالک را به آرزوها و میل درونی‌اش برساند، مطلوب است و نقش استاد در طریقت و سلوک، فقط از باب کمک به قرب سالک به آرزوهای شخصی خویش است. (همو، ۱۳۷۹: ۱۷۲)

بررسی و نقد

فردگرایی افراطی منجر به این سبک از توصیه‌های کوئلیو برای سلوک معنوی و توجه افراطی به آرزوهای شخصی شده است. او معتقد است افراد در مسیر واحدی قرار ندارند که بتوانند از تجربیات مشترک استفاده کنند (کوئلیو، ۱۳۸۶/ب: ۲۳۷). این ویژگی معنویت مدرن، به طور کلی در اندیشه‌های علامه طباطبایی مردود است. الهامات درونی نقشی در کسب معنویت و سیر طریقت ندارند. طبق دیدگاه علامه، ضرورت بعثت انبیا و حضور ایشان در مسیر سلوک معنوی برای یافتن مسیر صحیح، بسیار کمک‌کننده است و پیامبران، حافظان فطرت انسان و هادیان وصول به سعادت حقیقی‌اند (حوزة علمیه قم، ۱۳۸۱: ۶۸۸). علامه در ضمن بیان آیه «ما جعل الله لرجل من قلین فی جوفه» (احزاب: ۴) متذکر می‌شود که اگر خودخواهی، دل را مسخر خود گرداند؛ دیگر خداخواهی برای آن معنایی نخواهد

داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۴۱). بنابر این، اجتماع خداخواهی و خودخواهی، اجتماع نقیضین و امری محال است. کلید رستگاری انسان در جهان آخرت، طبق کلام خداوند در آیه «یوم لا ینفع مال ولا بنون * إلا من أتى الله بقلب سلیم» (شعراء: ۸۹-۸۸)، داشتن قلب سلیم است (همان، ج ۱۵: ۴۰۴). از این رو، حبّ ذات زمانی قابل ستایش است که در مسیر حبّ الهی باشد. بنابر این، طبق دیدگاه علامه طباطبایی، میل درونی سالک و آرزوهای شخصی او هرگز نقش حقیقی در سیر معنوی فرد ندارند و ساختن رؤیایها و آرزوها در کسب معرفت معنوی اثری ندارند.

۴. تلقی وحی به عنوان الهام درونی و تجربه دینی

یکی دیگر از پیامدهای فردگرایی در معنویت مدرن، تلقی وحی به عنوان الهام درونی و تجربه دینی است. این تلقی ناشی از جایگزینی راهنمای بیرونی با الهام درونی در سیر معنوی مدرن است. از نظر کوئلیو، تنها راه برای دریافتن پیام الهی، تمرکز بر پیام درون است و وحی، چیزی غیر از پیام الهام شده بر فرد نیست (کوئلیو، ۱۳۸۸: ۱۴۰). این دیدگاه، ناشی از اهتمام و توجه افراطی به ندای درونی در معنویت مدرن است. کوئلیو معتقد است که هر کس به ندای درون خود توجه کند، سرانجام به گنج درون خود رهنمون می‌شود (همان). وی به عدم امکان دسترسی به خواسته خداوند از طریق دین و مذهب تصریح می‌کند و معرفت به خواسته‌های خداوند را صرفاً منوط به توجه به ندای درون می‌کند. بر اساس مبنای فردگرایی معنویت مدرن؛ مذهب، راه به سمت خدا را به ما نشان نمی‌دهد؛ زیرا این راه از درون انسان آغاز می‌شود و هر یک از انسانها باید تلاش کنند تا این راه را بیابند. بنابر این، مهم‌ترین و بلکه تنها وظیفه انسان سالک در سلوک معنوی، تحقق بخشی به رؤیایهای خویش است (همان: ۴۰). به این ترتیب، در معنویت مدرن مهم نیست که سالک معنوی از چه شیوه و مسیری در طی طریق استفاده می‌کند و برای رسیدن به هدف و مقصد از چه ابزاری بهره می‌برد، بلکه باید رؤیایهای خود را محقق کند و رؤیایها و الهامهای درونی انسان، جایگزین مناسبی برای وحی است. (همو، ۱۳۷۹: ۱۷۲)

بررسی و نقد

طبق آنچه بر ادبیات دینی حاکم است، لفظ وحی جز در ارتباط کلامی خداوند با پیامبران استفاده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۲۳) و در موارد دیگر از باب القای وسوسه یا غریزه حیوانی یا رؤیا مدّ نظر است. چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لَبِشْرَ أَنْ يَكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا» (شوری: ۵۱)؛ و نمی‌باشد برای بشری اینکه تکلم کند با او خداوند مگر با وحی. بنابر این، توجه به این نکته حائز اهمیت است که عمومیت الهام درونی، در مقابل

عدم عمومیت وحی است و عمومیت الهام وحی، به گونه‌ای خلاف عقل است؛ زیرا بر اساس اندیشه دینی، فقط افراد خاصی که از نظر علامه دارای نفس و روح قدسی خاصی اند توان و شرایط دریافت وحی الهی را دارا می‌باشند. تفاوت میان افراد بشر با پیغمبر، کرامت او و وحی الهی است که موهبتی الهی از جانب پروردگار است و جز بر ایشان عنایت نشده است. (همان، ج ۱۴: ۳۵۵)

طبق نظر علامه، روح انسانی درجات و مراتبی دارد که پایین‌ترین مرتبه آن، روح ایمان و مختص مؤمنان است که با روح سایر انسانها و کفار متمایز است و بالاترین رتبه آن، روح قدسی است که مربوط به انبیا و اولیای الهی است (مجادله: ۲۲). قرآن کریم با اشاره به حیات طیبه، به تقویت روحی مؤمنان اشاره می‌کند که ایشان از جانب خداوند متنعم به حیاتی فوق حیات طبیعی اند که همان حیات طیبه است و از روح سرچشمه می‌گیرد؛ البته روحی که سرمنشأ حیات است و شعور و قدرت از آن منبعث می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ۱۹۷). تلازم اینگونه از شعور و قدرت با حیات طیبه، موجب پیدایش آثار خاصی خواهد شد که تنها از اهل ایمان توقع چنین اعمال طیب و صالحی می‌رود. چنین حیاتی منشأ خیرات و توأم با سعادت است که با حیات اشتراکی میان مؤمن و کافر کاملاً متمایز است. بنابر این، روح ایمان مبدء حیات طیب مؤمنان است و اشتراکی با روح کافرین ندارد. (همان: ۱۹۸)

۵. فراغت از حقیقت در معنویت مدرن

یکی از نتایج انتفاء هویت مشترک انسانی در فردگرایی مدرن، این است که برخی معنویت‌گرایان فردگرا معتقدند هر انسانی با هویت متفاوت، راه‌های متمایزی نیز برای رسیدن به معنویت دارد که باید آن را در درون خود جستجو کند. بنابر این، شخص خاص یا طریق مشترکی برای راهنمایی سالک وجود ندارد و نمی‌توان حقیقت مشترکی را در معنویت مدرن یافت. از این رو، هر قانون و مسیری که نوشته شده، تحت تأثیر افکار و هویت افرادی است که قائل به وجود هویت مشترک میان انسانها هستند و مسیر مشترک معنوی را برای افراد ترسیم کرده‌اند.

یکی از کسانی که با تأکید بر نفی هویت مشترک بین انسانها، حقیقت مشترک معنوی را نفی می‌کند، پائولو کوئلیو است. ادعای کوئلیو مبنی بر تمایز افراد بشر به نحو بنیادین است. او معتقد است هر انسان سالکی باید مطابق با تفاوت‌های خود با دیگران در مسیر معنوی حرکت کند و برای حفظ این تمایز بکوشد (کوئلیو، ۱۳۸۶/الف: ۱۷۰). بنابر این، نتیجه‌ای که منعقد

می‌شود، بروز نسبیت در شناخت و معرفت اصیل در سلوک معنوی است که جز زوال حقیقت در معنویت و سلوک بشری نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. بعلاوه در فالون دافا اعتقاد بر این است انسانی که مورد ظلم واقع شود، در حال تصفیه روحانی و معنوی است (هنگجی، ۱۳۸۱: ۴۱۲) و اگر دیگران به یاری او روند، تزکیه وی را با مشکل مواجه می‌کنند. همچنین در اندیشه دالایی، فرد ظالم بیش از همه از درون رنج می‌برد و آزرده می‌شود و نیازی به مقابله با او نیست؛ زیرا رنج درونی برایش کافی است و باید او را به حال خود گذاشت (لاما، ۱۳۸۲: ۹۰). به این ترتیب، ظلم‌پذیری و سکوت در مقابل ظلم، ارزش معنوی و اخلاقی معرفتی می‌شود. موارد بیان‌شده، یکی از پیامدهای مهم فردگرایی در معنویت مدرن است. مبنای فردگرایی معنویت مدرن، سبب تهی شدن آن از ارزشهای حقیقی است. این فراغت از حقیقت، برآمده از اصل معرفت خودساخته در فردگرایی است که شالوده و مبنای فکری معنویت مدرن را تشکیل داده است.

بررسی و نقد

در آثار علامه، هدف معنویت و عبادت، کسب معرفت نسبت به خداوند بیان شده است. اصل و هدف در معنویت اسلامی، فناء در ذات الهی است. بنابر این، تمام تلاش سالک، رسیدن به مقام قرب الی‌الله است. معنویت اسلامی سراسر حقیقت است و مطابق اندیشه علامه، حقیقت اصیل و واقعی، رسیدن به حقیقت توحید است؛ به این معنا که انسان جز خداوند را حقیقت و مؤثر در عالم نبیند. از این رو، در نگاه عالی و نگرش علامه و حکمت متعالیه که می‌فرماید: «لا مؤثر فی الوجود الا الله» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۱۷۷)، حقیقت نظام عالم و هستی، ظهورات و اسماء الله است (صمدی آملی، ۱۳۸۶: ۱۸۹). به این ترتیب، نفی حقیقت مشترک معنوی و بروز نسبیت در شناخت سلوک معنوی، در اندیشه علامه مردود است.

۶. نسبیت فردگرایانه در معنویت مدرن

معنویت مدرن به سبب نفی اشتراک ذاتی ناشی از فردگرایی، هرگونه توصیه عمومی نسبت به سالک معنوی را غیر ممکن دانسته است. بنابر این، هر آنچه موجب آرامش فرد می‌شود، صرفاً برای او می‌تواند توصیه معنوی تلقی شود. معنویت فردگرایانه با انکار هویت ذاتی مشترک میان انسانها، معنویت را نیز امری منوط به شخص می‌داند. پائولو کوئلیو قائل به اصالت تفاوت میان انسانهاست و تلاش در حفظ این تفاوتها را امری مقدس می‌شمارد (کوئلیو، ۱۳۸۵: ۱۷۰). با نفی اشتراک ذاتی میان افراد، اخلاق معنوی ثابت نیز منتفی خواهد شد؛ زیرا هر انسان بنا به ذات خاص خود، تعریف متفاوتی از خوب و بد خواهد

داشت. بنابر این، با نظر به رویکرد فردگرایی در معنویت، دستورات اخلاقی دین، برای عموم افراد کارایی نخواهد داشت.

همان‌طور که بیان شد، آقای ملکیان معنویت را تجربه‌ای خصوصی و شخصی می‌داند که نمی‌تواند توصیه اخلاقی مشترک برای عموم انسانها داشته باشد؛ زیرا معنویت برای هر فرد، مطابق با ویژگی‌های روان‌شناختی و فردی اوست. انسان معنوی با تکیه بر ابعاد وجودی خویش، تجارب معنوی خاصی را برای خود رقم خواهد زد (ملکیان، ۱۳۸۸: ۴۳). بنابر این، نتیجه‌ای که منعقد می‌شود، بروز نسبیّت در شناخت و معرفت اصیل در سلوک معنوی است. از این رو، هرگونه معنویتی به طور نسبی معرفت‌بخش است و برای هر فردی مطابق با تشخیص عقلی خود قابل درک و توجیه واقع می‌شود.

اوشو پا را فراتر گذاشته و معتقد است هر انسانی که شاد باشد و بتواند بخندد، به معرفت اصیل در معنویت دست یافته است؛ زیرا انسان در بطن خنده به اشراق خواهد رسید. اما آرامش حاصل از این معرفت معنوی، مستمر نیست؛ بنابر این، برای جبران و استمرار آن، سالک را به خنده و شوخی و رقص دائم توصیه می‌کند. بر این اساس، اوشو راه دستیابی به معرفت معنوی حقیقی را خنده و شادی و رقص و پایکوبی حقیقی می‌داند. (اوشو، ۱۳۸۱، ج ۱: ۷۲)

بررسی و نقد

لوازم فردگرایی که قائلان به این نظریه بدان تصریح کرده‌اند، نه تنها عوامل منفی‌ای هستند که موجب رضایت باطنی، مدّ نظر معنویت‌شان نیست؛ بلکه موانع سنگینی بر سر راه معنویت آرامش‌بخش حقیقی و اخلاق حسنه خواهد بود (غفاری قره‌باغ، ۱۳۹۷: ۲۹۷). به همین سبب، دستورالعملهای معنویت اسلامی، وصایای مشترک و کلی مبتنی بر وحی است. هرچند واژه معنویت به صراحت در قرآن نیامده است، اما حاکی از روح عالم ظاهری و مادی و همچنین عالم حقیقت و باطن است که با عنوان قرآنی نور الهی، در قالب حیات طیبه نمودار است. از این رو، افرادی هستند که به اموری از عالم معنا درک و فهم پیدا می‌کنند که برای انسانهای عادی قابل دسترسی نیست. این درک عالم باطن و حقیقت معنا، به سبب معرفت و ایمان ایشان در مقابل خالق هستی است که افزون بر زندگی عادی خود، به خالق عالم معنا نیز توجه ویژه دارند و درک و اراده این افراد، فراتر از حیات دنیوی است. (طباطبایی، ۱۳۸۹)

(د) جمع‌بندی

مؤلفه فردگرایی در تقابل انسان و خدا، با نفی اشتراکات میان انسانها، معتقد است که هرگونه توصیه عمومی در جوامع بشری، با آزادی‌های فردی انسان در تضاد است. چنانچه قائلان به این رویکرد معتقدند فرد سالک معنوی باید مطابق با تفاوتها و بر اساس آرزوهای شخصی خود در مسیر معنویت حرکت کند. فردگرایی با ابتدا بر اصالت فرد، حفظ استقلال فردی را بر جمع‌گرایی ترجیح می‌دهد. آنچه در فردگرایی مهم است، توجه به فاعل شناسا و تمرکز بر ذهنیت است. فردگرایی از نتایج اومانیزم است که تمام منافع و لذتها را در انحصار فرد انسانی می‌داند. توجه به معنویت نیز در راستای تحقق معنا به زندگی شخصی انسان تعیین می‌شود و هرجا معنویت موجب کاهش رنج انسان شود، امری پسندیده است. توجه غرب بر آزادی‌های فردی، راهی برای کسب رضایت درونی انسان است؛ هرچند برخی افراد، این آزادی را مترادف با بی‌بندوباری نمی‌دانند؛ اما موجب دوری از معنویت اصیل و عدم نیل به غایت اصلی معنویت است. هسته اصلی و محوری جوامع در مکاتب فردگرایی، در نظر گرفتن اولویتهای فردی است. تفکرات فردگرایی تنها به بعد جسمانی فرد توجه می‌کند و هر آنچه برای لذت بیشتر فرد مطابق با عقل خود بنیاد او باشد، از درجه اعتبار بالاتری برخوردار است.

توجه نکردن به مشترکات هویتی بین انسانها، موجب بحران هویتی و در نتیجه، عدم تعامل صحیح با افراد جامعه می‌شود. در جوامع فردگرا، تأکید بر رضایت درونی فرد موجب نسبی شدن اخلاق و عدم ارتباط صحیح و مؤثر با دیگر افراد خواهد شد. معنویت فردگرا با تعیین مسیر خاص برای هر فرد موجب عدم استفاده از توصیه‌های عمومی معنوی دینی برای افراد می‌شود؛ اما به سبب واحد بودن هدف نهایی، تعدد مسیر موجب تعدد مقصد نمی‌شود.

طبق نظر علامه، انسان برای رسیدن به سعادت باید هم به بعد جسمانی و هم به بعد روحانی خود توجه کند و غفلت از یکی از ابعاد وجودی، موجب دوری از مسیر معنویت خواهد شد. همسو شدن با حب ذات، زمانی که در زندگی اجتماعی و در راستای توجه به افراد دیگر در جامعه باشد، امری پسندیده است که تنها از افراد دارای قلب سلیم صادر خواهد شد. علامه با قائل شدن به عدم یکسانی الهام درونی و الهام الهی، بیان می‌کند که قطعاً خداوند شرایع و احکام را از طریق وحی الهی به پیامبر می‌رساند و پیامبر از جانب خود مطلبی بیان نمی‌کند. بنابر این، بر اساس اندیشه‌های علامه، فردگرایی موجب حذف هدف از معنویت می‌شود و

۷۳ ❖ بررسی تحلیلی بنیانهای فردگرایی معنویت مدرن ...

هدف غایی معنویت فردگرا، به لذت‌گرایی فردی کاهش پیدا می‌کند؛ در صورتی که هدف غایی معنویت اسلامی، تقرّب به خداوند متعال است.

جدول: پیامدهای مبانی انسان‌شناختی مدرن بر معنویت

مبنای انسان‌شناختی مدرن	مهم‌ترین اصول فکری	پیامدهای وارد بر معنویت مدرن
فردگرایی	۱. نفی اشتراک ذاتی میان افراد انسانی ۲. نفی هویت جمعی ۳. توجه به معرفت خودساخته و درونی ۴. عدم انسجام روابط اجتماعی	۱. نفی هویت مشترک میان انسانها ۲. انفراد فضایل و ارزشهای معنوی ۳. جایگزینی راهنمای بیرونی با الهام درونی ۴. تلقی وحی به عنوان الهام درونی و تجربه دینی ۵. فراغت از حقیقت در معنویت ۶. نسبیّت فردگرایانه در معنویت مدرن

منابع

- قرآن کریم.
- آراسته خو، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ اصطلاحات علمی - اجتماعی**. تهران: چاپخش.
- آربلاستر، آنتونی (۱۳۷۷). **لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط**. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- اسفندیاری، سیمین (۱۳۸۸). «**سوژکتیویسم دکارت: نقطه عزیمت فلاسفه**». عصر جدید، دوره پنجم، ش ۱۷.
- اشو (۱۳۸۱). **یک فتنان چای**. ترجمه مسیحا برزگر. تهران: دارینوش.
- امانی، میثم و رضا اکبری (۱۳۹۷). «**شواهد جعل باوری معنای زندگی در دیدگاه سورن کرگور**». پژوهشهای فلسفی، سال دوازدهم، ش ۲۲.
- اندرو، وینسنت (۱۳۷۸). **ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس، چ سوم.
- بحرانی فرد، مرتضی (۱۳۹۴). **فردگرایی و جمع‌گرایی در آموزه‌های اسلامی**. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- برگر، پتر و توماس لوکمان (۱۳۷۵). **ساخت اجتماعی واقعیت، رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت**. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بریجانیان، ماری (۱۳۹۰). **فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی انگلیسی و فارسی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ سوم.
- بوردو، ژرژ (۱۳۸۰). **لیبرالیسم**. ترجمه عبدالوهاب احمدی. تهران: نی.
- توییچل، پال (۱۳۷۹). **اکتکار، کلید جهانهای اسرار**. ترجمه هوشنگ اهرپور. تهران: نگارستان کتاب.
- حمیدیه، بهزاد (۱۳۸۵). «**بازشناسی فردگرایی و پیامدهای آن**». راهبرد توسعه، ش ۲ (۶).
- حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی (۱۳۸۱). **مرزبان وحی و خرد: یادنامه مرحوم علامه سید محمدحسین طباطبائی**. قم: بوستان کتاب.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۹). **دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی**. تهران: کیهان.
- صمدی آملی، داوود (۱۳۸۶). **شرح نهایه الحکمه**. قم: قائم آل محمد (عج).
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۹). **المیزان فی تفسیر القرآن**. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

بررسی تحلیلی بنیانهای فردگرایی معنویت مدرن ... ۷۵

- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**. ترجمه سید محمدباقر موسوی. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ دوم.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). **ترجمه تفسیر المیزان**. قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). **روابط اجتماعی در اسلام به ضمیمه چند رساله دیگر**. قم: بوستان کتاب.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۶۰). **نهایه الحکمه**. قم: جامعه مدرسین، چ دوازدهم.
- غفاری قره‌باغ، سید احمد (۱۴۰۰). **معنویت در ادیان ابراهیمی**. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- غفاری قره‌باغ، سید احمد (۱۳۹۷). **معنویت و دین؛ بررسی استدلالهای ناسازگارگرایان**. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- فرج‌نژاد، محمدجواد (۱۳۹۹). **نقد و بررسی مبانی انسان‌شناختی اندیشه‌های اخلاقی روشنفکری معنویت‌گرای معاصر ایران**. رساله دکتری. دانشگاه معارف اسلامی.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۷۹). **اعترافات یک سالک (خوان آریاس در گفتگو با پائولو کوئلیو)**. ترجمه دل‌آرا قهرمان. تهران: بهجت.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۶/الف). **چون رود جاری باش**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ چهارم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۴). **زهیر**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ سوم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۶/ب). **ساحره پورتوبلو**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ سوم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۵). **عطیه برتر**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ دوازدهم.
- لاما، دالایی (۱۳۸۲). **کوچک ژرف‌اندیشی**. ترجمه مهرداد انتظاری. تهران: علم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۳). **کوه پنجم**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ سوم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۸). **کیمیاگر**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ شانزدهم.
- کوئلیو، پائولو (۱۳۸۷). **ورونیکا تصمیم می‌گیرد بمیرد**. ترجمه آرش حجازی. تهران: کاروان، چ دهم.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۸). **ایمان و تعقل؛ درس گفتارهای فلسفه دین**. به کوشش سید علیرضا صالحی و سید محمدحسین صالحی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۲). **درس گفتار سنت‌گرایی، تجددگرایی پسا تجددگرایی**. به همت انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. تهران: تحریریه سایت صداقت.

- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). **معنویت، گوهر ادیان، سنت و سکولاریسم، گفتارهایی از عبدالکریم سروش و دیگران**. تهران: صراط.
- میرزایی، رضا و سمیه دلیر صف‌آرای (۱۳۹۷). «**بحران معنویت در جهان معاصر**». *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال بیست و دوم، ش ۱ (پیاپی ۷۴).
- نوبری، علیرضا (۱۳۹۵). «**تأملی بر تبیین مفهومی معنویت در نظریه عقلانیت و معنویت، با نگاهی به معنویت قدسی**». *اندیشه نوین دینی*، ش ۴۶: ۱۴۴-۱۲۹.
- هنگی، لی (۱۳۸۱). **شوآن فالون**. ترجمه گروه فرهنگی فالون گونگ. تهران: درسا.
- یاسپرس، کارل (۱۳۷۵). **درآمدی بر فلسفه**. ترجمه اسدالله مبشری. تهران: حسینه ارشاد.
- یاسپرس، کارل (۱۳۹۰). **زندگی نامه فلسفی من**. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: هرمس.
- Conde, Victor (2004). **A Handbook of International Human Rights Terminology** (p. 124-195).
- Andrew, Vincent (1999). **Modern Political Ideologies**. Translated by Morteza Saqib Far. Tehran: Nashr Qoqnos, third edition.
- Araste Kho, Mohammad (2002). **Dictionary of Scientific and Social Terms**. Tehran: Chapakhsh Publications.
- Arblaster, Anthony (1998). **Liberalism of the West, Rise and fall**. Translated by Abbas Mokhber. Tehran: markaz.
- Bahrani Fard, Morteza (2015). **Individualism and collectivism in Islamic teachings**. Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute.
- Berger, Peter & Thomas Lokman (1996). **The Social Construction of Reality, a Treatise on the Sociology of Knowledge**. Translated by Fariborz Majidi. Tehran: Scientific and Cultural.
- Bordo, Georges (2001). **Liberalism**. Translated by Abdol-Wahab Ahmadi. Tehran: Nei Publishing.
- Brijanian, Mari (2011). **English and Farsi Dictionary of Philosophy and Social Sciences Terms**. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Coelho, Paulo (2009). **Alchemist**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, 16th year.
- Coelho, Paulo (2006). **Atiyeh Bartar**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, 12th year.
- Coelho, Paulo (2007). **Be a Flowing River**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, Ch 4.
- Coelho, Paulo (2000). **Confessions of a seeker (Juan Arias in a conversation with Paulo Coelho)**. Translated by Delara Kahraman. Tehran: Behjat.
- Coelho, Paulo (2004). **Fifth Mountain**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, 3rd year.
- Coelho, Paulo (2007). **Sorceress of Portobello**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan.

- Coelho, Paolo (2008). **Veronica decides to die**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, 16th year.
- Coelho, Paulo (2005). **Zuhair**. Translated by Arash Hejazi. Tehran: Karvan, 3rd year.
- Esho (2002). **A Cup of Tea**. Translated by Masiha Barzegar. Tehran: Darinoosh Publishing.
- Ghafari Qarabagh, Seyyed Ahmad (2021). **Spirituality in Abrahamic Religions**. Tehran: Iranian Research Institute for Wisdom and Philosophy.
- Ghafari Qarabagh, Seyyed Ahmad (2018). **Spirituality and Religion; Examining the Arguments of in compatibilists**. Tehran: Research Institute of Wisdom and Philosophy of Iran.
- Hengji, Li (2002). **Xuan Falun**. Translated by the Falun Gong Cultural Group. Tehran: Dorsa.
- Jaspers, Karl (1996). **An Introduction to Philosophy**. Translated by Asadollah Mobushari. Tehran: Hosseiniye-y Irshad Publishing House.
- Jaspers, Karl (2011). **My Philosophical Biography**. Translated by Ezzatullah Foladvand. Tehran: Hermes Publishing.
- Lama, Dalai (2003). **Kochak Zarif Andishi**. Translated by Mehrdad Atziri. Tehran: Nashr Alam.
- Malekian, Mostafa (2009). **Iman and Taaqqol; a lesson on the discourses of the philosophy of religion**. By Seyed Alireza Salehi and Seyed Mohammad Hossein Salehi. Qom: Religions and Religions Studies and Research Center.
- Malekian, Mostafa (2002). **Spirituality, the Gem of Religions, Tradition and Secularism, speeches by Abdul Karim Soroush and others**. Tehran: Serat Cultural Institute.
- Malekian, Mustafa (2003). **The speech lesson of traditionalism, Modernism and post-modernism**. With the help of: Islamic Association of Students of Sharif University of Technology. Tehran: editorial office of Sedanet site.
- Qom Seminary, Office of Islamic Propaganda (2002). **Marzban Wahi wa Kherad; Memoir of the late Allameh Seyyed Mohammad Hossein Tabatabai**. Qom: Bostan Kitab.
- Samadi Amoli, Dawood (2007). **Sharh Nahayeh al-Hikama**. Qom: Qaim al-Muhammad (Aj).
- Shayan-Mehr, Alireza (2000). **Comparative Encyclopedia of Social Sciences**. Tehran: Kayhan.
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein (2010). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1969). **Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an**. Translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi, Beirut, Al-Alami Institute for Press, Ch II.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1981). **Nahayeh al-Hikma**. Qom: Jamia Modaresin, 12th century.

- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2008). **Social relations in Islam with the addition of several other treatises**. Qom: Bostan Kitab.
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1995). **Translation of Tafsir al-Mizan**. Qom: Islamic Publications Office, 5th chapter.
- Twitchell, Paul (2000). **Akankar, Key to the Worlds of Secrets**. Translated by Hoshang Aharpour. Tehran: Nagaristan Kitab.

